



## معماری خودباوری

مصطفی زمانیان؛ عضو هیئت علمی دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران



و آینده‌اش را بادستان خردمند خود ترسیم کند. آنچه امروز شاهد آن هستیم، یک نظام ساختار یافته پیشرفت است که با تکیه بر این منظومه زبانی بومی و ملی، راه خود را به سوی افق‌های روشن باز می‌کند. این میراث گران سنگ، یعنی پلتفرم ملی پیشرفت و آبادانی و استقلال، همان سرمایه پایه‌ای است که رهبری اکنون ایران با درایت و هوشمندی از آن محافظت خواهد کرد. این دستاورد، نه یک نقطه پایان، بلکه یک سکوی پرتابی است که رهبر کشور با تکیه بر آن و با استفاده از این منظومه زبانی و فکری منسجم، گام‌های بلندتری را برای تحقق عدالت، کارآمدی و رفاه در عصر جدید بر خواهد داشت؛ چرا که پاسداری از این میراث خودباوری، ضامن تداوم عاملیت و شکوه ایرانی در جهان فرداست.

**این پلتفرم زبانی و اندیشه‌ورزی، خاصه در سه حوزه کلیدی دفاعی، نهادسازی و فناوری، چنان با قدرت عمل کرد که توانست آینده پیش‌فرضی که در آن ایرانی را ضعیف و وابسته تصویر می‌کرد در هم شکسته و آینده‌ای متمایز را اعلام و ابراز کند.**

در ذهن جوان ایرانی، نشان دادند که دستیابی به قله‌های علم، نه یک آرزوی دور، بلکه یک دسترسی ممکن و در دسترس است. این منظومه زبانی، چنان در عمق جان جامعه نخبگانی ریشه دوانده که امروز ایران مقتدر به یک باور عمومی و یک حقیقت غیرقابل انکار تبدیل شده است. دفاع از کارنامه ۳۷ ساله ایشان از منظر توسعه، دفاع از هوشمندی یک معمار توسعه و پیشرفت است که با اولویت بخشیدن به خلق منظومه زبانی و اندیشه‌ای در پیشرفت، مسیر پیشرفت را برای نسل‌های آینده ایران تضمین کرد. ایشان ثابت کردند که پیشرفت واقعی، تنها زمانی رخ می‌دهد که یک ملت به داشته‌های خود باورمند باشد

نظام‌سازی رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول ۳۷ سال گذشته را باید فراتر از مدیریت‌های کلان معمول، به مثابه تلاش برای طراحی و تثبیت یک منظومه زبانی بومی و ملی، برای پیشرفت ایران تحلیل کرد. در لایه هستی‌شناختی، بزرگ‌ترین دستاورد این دوران، خلق یک دستگاه فکری نو بود که توانست مفهوم پیشرفت را از قید الگوهای تحمیلی رها کرده و آن را بر مدار عاملیت ایرانی بازتعریف کند. در شرایطی که بحران‌های پیرامونی و فشارهای بین‌المللی می‌توانست ایران را به یک کنشگر منفعل و دنباله‌رو تبدیل کند، نگاه راهبردی ایشان بر ساخت یک پلتفرم ملی متمرکز شد که هدف آن، باورپذیر کردن توانمندی‌های درونی در تمامی عرصه‌ها در ذهن جوانان و نخبگان ایران بود. نسلی که حتی دوران سخت جنگ و دوران قبل از انقلاب را ندیده بودند، اما باورمندانه این دستگاه زبانی و اندیشه‌ای را پذیرفتند و بدان عامل شدند.

رهبر شهید انقلاب با درک این واقعیت که بستر محتوا را می‌بلعد، تمرکز خود را بر تغییر بستر ذهنی نخبگان و جامعه قرار دادند. ایشان با استفاده از زبان آفرینش‌گری و تأسیس «توانستند منظومه‌ای زبانی خلق کنند که در آن، واژگانی چون «جنبش نرم‌افزاری»، «بومی‌سازی» و «خودکفایی»، از سطح شعار خارج شده و به یک واقعیت پدیدار شده در زیست‌بوم پیشرفت ایران تبدیل شوند. این پلتفرم زبانی و اندیشه‌ورزی، خاصه در سه حوزه کلیدی دفاعی، نهادسازی و فناوری، چنان با قدرت عمل کرد که توانست آینده پیش‌فرضی که در آن ایرانی را ضعیف و وابسته تصویر می‌کرد در هم شکسته و آینده‌ای متمایز را اعلام و ابراز کند.

در حوزه دفاعی، ایشان موفق شدند قدرتی را تأسیس کنند که ریشه در دانش و اراده بومی دارد. این دستاورد، فراتر از ابزارهای نظامی، به معنای تولید یک زبان اقتدار بود که به دشمنان نشان داد ایران دیگر یک دستور کار سیاست‌گذاری برای دیگران نیست، بلکه خود خالق بستر امنیت در منطقه است. این توانمندی دفاعی، در واقع تکیه‌گاهی شد تا سایر بخش‌های توسعه بتوانند در فضای سرشار از اعتماد به نفس رشد کنند. در حوزه نهادسازی، ایشان با خلق منظومه زبانی و گفتمانی جدید و تقویت نهاد‌های انقلابی و مردمی در کنار ساختارهای رسمی، مدلی از حکمرانی را پیش بردند که در آن مشارکت نخبگانی و عاملیت احاد مردم اصل بنیادین است. این نهادسازی، فضایی گشوده ایجاد کرد که در آن استعداد‌های ایرانی، خودرانه در حاشیه، بلکه در متن پیشرفت کشور بازشناسی کردند. در حوزه فناوری نیز، پافشاری راهبردی ایشان بر مرجعیت علمی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، به تولید باور به توانستن در پیچیده‌ترین سطوح تکنولوژی منجر شد. ایشان با تغییر نحوه پدیدار شدن دانش

